

# بررسی تطبیقی آیه چهل سوره توبه با تأکید بر مناظره شیخ مفید

کامران اویسی<sup>۱</sup>

## چکیده

آیه ۴۰ سوره توبه معروف به آیه غار به علت اشتغال آن نسبت به قضیه مصاحبت ابوبکر با پیامبر؟ مل؟ در غار میان مفسران امامیه و اهل تسنن مورد بحث بوده است. هدف از این نوشتار، تحلیل و تبیین ادله تفسیری فریقین و داوری بین آنها با تأکید بر مناظره منقول از شیخ مفید می‌باشد که براساس گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای از تفاسیر شیعه و اهل تسنن و برخی کتب کلامی مرتبط و روشب توصیفی \_ تحلیلی آنها به گونه تطبیقی و توجه به اشتراکها و افتراقها و سپس قضاوت بین دلایل انجام گرفته است. استفضال برای ابوبکر توسط مفسران عامه با ایرادهایی مواجه است؛ مانند مصداقیت عبدالله بن بکر به جای او؛ روایت عایشه در عدم نزول آیه درباره او و خاندانش مگر حادثه افک؛ حضور ابوبکر در نماز جماعت سالم بن حذیفه در قبا هم‌زمان با وقوع حادثه غار. با لحاظ ادبیات مناظره علمای شیعه در مقام تفسیر یا جدل با مخالفان، دیده می‌شود که اولاً، منطق بر این استدلالها حکم فرمادت؛ ثانیاً، ادب مناظره نیز رعایت شده است؛ در صورتی که در این میان برخی مفسران اهل تسنن با تعصب به تفسیر این آیه پرداخته‌اند.

**کلیدواژه:** حزن، تفسیر تطبیقی، سکینه، شیخ مفید، صاحب، غار.

## ۱. مقدمه

در قرآن آیاتی وجود دارد که هریک از مذاهب اسلامی، می‌کوشند با استدلال به آن در مناظره‌ها، فضیلت‌های ادعایی مذهب خود را نسبت به بزرگان آن مذهب به اثبات برسانند. گاهی برخی از این استنادات قرآنی با مقدماتی ناصحیح، استدلالی را تشکیل داده و نتیجه نیز به تبع مقدماتش، باطل خواهد بود. از جمله آیاتی که مورد استناد علمای اهل تسنن در اثبات فضیلت برای خلیفه اول قرار گرفته، آیه چهل سوره توبه است که در این نوشتار آیه غار

۱. استادیار گروه قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی .oveysi@maaref.ac.ir

نام گرفته است. یکی از جامع‌ترین و مهم‌ترین استدلال‌های مربوط به آیه مذکور، در مناظره شیخ مفید در رؤیا دیده می‌شود که مباحث دیگر مفسران شیعه و اهل تسنن نیز بر حول همان پرورش یافته است. مناظره شیخ مفید در عالم رؤیا با عمر بن خطاب نیز از ابو علی حسن بن محمد رقی از شیخ مفید نقل شده که با اختصار از نقل کتاب *احتجاج طبرسی و کنزالفوائد* کراچکی بیان می‌گردد. (ر.ک: کراچکی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸ \_ ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ \_ ۵۰۲) در آنجا عمر به شش جای آیه غار برای استفضال ابوبکر استناد می‌کند و این در حالی است که برخی مفسران اهل تسنن نیز از همین ادعاها بهره جسته‌اند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۳ \_ ۵۵).

با لحاظ ادبیات و منطق مناظره و بحث علمای شیعه در مقام تفسیر یا جدل با مخالفان، دیده می‌شود که اولاً، منطق بر این استدلال‌ها حکم فرماست؛ ثانیاً، ادب مناظره نیز رعایت شده است؛ در صورتی که در این میان برخی مفسران اهل تسنن با تعصب به تفسیر این آیه پرداخته‌اند. اما ایرادهایی به تفسیر مفسران اهل تسنن و قرینه‌های استفاده‌شده از سوی آنان با محوریت التفات به مناظره شیخ مفید وارد است؛ مانند مصداقیت عبدالله بن بکر به جای او؛ روایت عایشه در عدم نزول آیه درباره او و خاندانش مگر افک؛ حضور ابوبکر در نماز جماعت سالم بن حذیفه در قبا هم‌زمان با وقوع حادثه غار و عدم استدلال ابوبکر به جریان غار. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا تَنصُرُوهُ فَقُولُوا اللَّهُ بَخْسٌ لِّمَن لَّهَ الْغَدُّ وَهُوَ يُؤْتِي مَن يَشَاءُ لَئِن لَّمْ يَظْهَرِ لَهُ الْبُيُوتُ الَّتِي هُمْ يُكْفِرُونَ لَأَسْأَلَنَّهُمْ لَمَّا نَحْنُ مُوقِفُونَ عَلَيْهِمْ لِمَنِ كُنْتُمْ إِذْ يَبْسُطُونَ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ أَتُؤْمِنُونَ أَنَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (توبه، آیه ۴۰)

«اگر او، [یعنی پیامبر] را یاری نکنید، پس حتماً خدا او را یاری کرد، هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را [از مگه] بیرون کردند، درحالی که دوّمین دو [تن] بود؛ (همان) هنگام که آن دو در غار (ثور) بودند، (همان) وقتی که به همراه خود می‌گفت: «غم مخور که خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد؛ و او را با لشکرهایی که آن‌ها را مشاهده نمی‌کردید، تأیید نمود؛ و گفتار (و برنامه) کسانی را که کفر ورزیدند، پست قرار داد؛ و تنها گفتار (و برنامه) خدا والاست؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است.»

اشاره به این نکته سزاوار است که در هنگامه صحبت از تقریب مذاهب

اسلامی، برخی معتقدند تهیه نسخه‌های از اسلام که فقط مبتنی بر مشترکات باشد، کافی است و سپس به این آیه استناد می‌کنند:

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ لَّا يَلْمِزُكَ فِتْنَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مِنْكُمْ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُخْلِفُوا إِلَيْكَ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُجْرِمُونَ ۝ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ يُبَيِّنُونَ لَكَ الْقُرْآنَ وَيَتَّبِعُونَ آيَاتَ اللَّهِ لِيُعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبَغْيِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (آل عمران، آیه ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا، تمسک جویید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، آن‌گاه که دشمنان (یکدیگر) بودید و [او] میان دل‌های شما، الفت انداخت، پس به (برکت) نعمت او، برادران (همدیگر) شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید، و شما را از آن نجات داد؛ این‌گونه خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما راهنمایی شوید.

اما سزاوار است تا با طرح علمی یک مسئله اختلافی در مناظره‌ها به صورت مصداقی مانند آیه غار، منصفانه و عالمانه و مؤدبانه آن را به بحث گذاشت تا حق برای جویندگان آن، روشن شود و وضوح حقانیت شیعه امامیه با توجه به استدلال‌ات منطقی بیش‌ازپیش دیده شود. در مقاله مذکور نیز تلاش شده است افزون بر رعایت انصاف و امانت‌داری در نقل‌ها، استدلال‌ها براساس منطق و تشکیل برهان و قیاس باشد و نیز نقل‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرد و تا حدودی از تاریخ قطعی یا اطمینان‌بخش کمک گرفته شود تا برادران اهل تسنن نیز از جرعه معارف اهل‌بیت؟ ع؟ بنوشند و با بحث‌های مطرح‌شده از سوی عالمان با تقوا و آداب محور امامیه آشنا گردند و سخنان آنان را با امثال ابن‌تیمیه که در تهمت و دروغ و ناسزاگویی به شیعه ید طولایی دارد و یا متعصبانی چون فخر رازی مقایسه کنند. برای نمونه فخر رازی یار غار بودن ابوبکر را برتر از خوابیدن علی؟ ع؟ در بستر پیامبر؟ ص؟ در لیلۃ‌المبیت دانسته، می‌گوید:

فعلما أن خوف أبي بكر على نفسه في خدمة محمد صلى الله عليه وسلم أشد من خوف علي كرم الله وجهه، فكانت تلك الدرجة أفضل وأكمل (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۴).

در صورتی‌که به باور علامه طباطبائی معیت ابوبکر در غار با پیامبر؟ ص؟ اگر بخواهد ارزشی داشته باشد، نهایتاً یک فضیلت اجتماعی است (طباطبائی،

۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۹۵)؛ اما ارزش‌گذاری لیلۃ‌المبیت به‌وسیله قرآن انجام شده، نه اجتماع، زیرا قرآن آن را « { اَبْلَغَاءُ مَرْفَعَاتِ اللَّهِ } (بقره، آیه ۲۰۷) می‌داند که امری قلبی و معیار ارزش و سعادت قرآنی است. از این‌رو شخص امام علی؟ ع؟ نیز به این آیه برای مناقب خود استدلال کرده‌اند (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۱۸ \_ ۲۲۱).

در این میان از دانشمند عالی مقام شیعه، شیخ مفید، مناظره‌ای در عالم رؤیا با عمر بن خطاب درباره آیه غار نقل شده است که گزافه نیست اگر گفته شود غالب استدلال‌های بعد از او درباره آیه غار از ناحیه شیعه متأثر از آن است. مقاله پیش رو درصدد است با واکاوی دیدگاه‌های علمای امامیه و اهل تسنن با محوریت قراردادن مناظره‌ها شیخ مفید، استدلال لطیف و دقیق و مؤدبانه علمای شیعه را رخ نمایاند.

## ۲. پیشینه پژوهش

گرچه بسیاری از مفسران شیعه و سنی به اثبات یا رد دلالت مصاحبت ابوبکر با پیامبر؟ صل؟ در غار بر فضیلت وی پرداخته‌اند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۸؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۷۹). اما پژوهش‌های جداگانه نیز به‌صورت کتاب یا مقاله در این باره تدوین شده است؛ مانند «یار غار ابوبکر یا فردی دیگر؟» نوشته نجاح طائی که بیشتر بر این تأکید دارد که آن کس که در غار با پیامبر؟ صل؟ بوده است، ابوبکر نبوده، بلکه عبدالله بن بکر بوده است. (ر.ک: طائی، ۱۳۸۲، ص ۱ \_ ۴۰۰) *کشف العوار فی تفسیر آیه الغار* تألیف نورالله شوشتری که حاصل مناظره نویسنده با برخی از عالمان اهل تسنن در مورد مفاد آیه غار و تأکید بر نمونه‌های متعددی از عملکرد ابوبکر در زمان حیات رسول خدا؟ صل؟ و پس از رحلت ایشان اشاره کرده است (ر.ک: شوشتری، ۱۴۲۹، ص ۱ \_ ۱۸۰). کتاب دیگر تألیف نبیل حسنی با عنوان *استنطاق آیه الغار و اشکالیه التنصیص الحدیثی بین التثنیة و التثلیت* می‌باشد که به بیان تعارض در تعداد افراد در غار می‌پردازد که طبق ادعای عمر بن خطاب فقط پیامبر؟ صل؟ و ابوبکر بوده‌اند و بنا بر حدیثی در *صحیح بخاری*، سه نفر بوده‌اند، نه دو نفر. (حسنی، ۱۴۳۵، ص ۱

۱۵۲ \_ همچنین مقاله‌هایی مانند «آیه غار از دیدگاه فریقین» (کرباسی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷ \_ ۲۷۰) و غوری در آیه غار (انواری، ۱۳۹۰، ص ۱۹ \_ ۳۰) از دیگر پژوهش‌هایی است که در این موضوع انتشار یافته و به نحو کلی و با صبغه تاریخی به طرح مباحث مربوط دست زده‌اند؛ درحالی‌که نوشتار پیش رو، ناظر به مطالعه تطبیقی آیه مذکور با محوریت مناظره شیخ مفید می‌پردازد. در ادامه دیدگاه دانشمندان امامیه و اهل تسنن درباره آیه غار مختصراً بیان می‌شود.

### ۳. دیدگاه فریقین درباره آیه غار

این آیه در نظر اهل تسنن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که برخی آن را برترین سبب اولویت ابوبکر بر دیگران در امر خلافت دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۹۹ \_ ۲۰۰؛ امینی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۱۷) و عمر بن خطاب به وسیله آن بر خلافت ابوبکر استشهاد نمود (ر.ک: بخاری، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۶۹).

مفسران اهل تسنن بر این باورند که در تعبیرهای «ثانی‌ترین» و «اثنین» و «إذ هما فی الغار» ابوبکر را هم‌ردیف و همراه پیامبر؟ صل؟ خوانده است؛ مقصود از «صاحب» معنای اصطلاحی آن است؛ درحالی‌که در آیات قرآن از هیچ صحابی پیامبر؟ صل؟ به عنوان صحابی مصطلح یاد نشده است. ذکر این توصیف برای ابوبکر نشانه کمال نزدیکی و قرب او به پیامبر اکرم؟ صل؟ و حکایت‌کننده آن است که او برترین صحابی پیامبر خدا و صاحب سرّ اوست؛ فقره «لا تحزن» نشان از آن دارد که حزن ابوبکر به سبب خودش نبود؛ بلکه برای آینده دین اسلام بود. «ان الله معنا» نیز دلالت بر معیت خاص الهی برای ابوبکر و پیامبر؟ صل؟ دارد؛ زیرا معیت عام او برای همه موجودات حتی کفار و مشرکان وجود دارد و تفسیر معیت موجود در آیه به معیت عام، سخن پیامبر؟ صل؟ را تحصیل حاصل می‌نماید؛ نزول سکینه بر پیامبر؟ صل؟ \_ بنابر قول مشهور اهل تسنن \_ و یا شخص ابوبکر \_ بنابر احتمال قوی‌تر و منطقی‌تر از نظر آنان \_ بوده است (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۶۸ \_ ۶۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۴۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۴۴ \_ ۱۴۵؛ کرباسی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۰).

در اندیشه مفسران امامیه، آیه غار هیچ‌گونه دلالتی بر فضیلت ابوبکر ندارد، بلکه از این آیه، مثالی برای وی استنباط کرده‌اند. بنا بر دیدگاه شیعی، آیه غار با التفات به سیاق آیات پیشین و پسین، در مقام بیان نصرت خداوند به پیامبر؟ مل؟ بدون مداخله شخص دیگری در این نصرت است. مقصود آیه این است که اگر شما پیامبر؟ مل؟ را یاری نمایید، خدا او را برای اعتلای کلمة الله به مانند حضور او و مصاحبش در غار یاری می‌دهد. (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ \_ ۵۰۲؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۹۵) تبیین و تحلیل و بررسی تفصیلی دیدگاه فریقین با محوریت مناظره شیخ مفید ذیل بررسی نقاط فضیلت بخش آیه غار خواهد آمد.

#### ۴. نقاط اشتراک و افتراق فریقین درباره آیه غار

در مطالعه تطبیقی سزاوار است به طرح نقاط مشترک و مغترق دیدگاه‌های فریقین درباره آیه نامبرده توجه داده می‌شود.

##### ۴.۱ \_ بیان نقاط مشترک

##### ۴.۱ \_ ۱ \_ حادثه تاریخی هجرت

غالب علمای شیعه و سنی اذعان دارند که آیه چهل سوره توبه ناظر به رخداد تاریخی هجرت پیامبر اکرم؟ مل؟ و زمانی است که مشرکان مکه نقشه قتل پیامبر؟ مل؟ را کشیدند. ایشان به ناچار و به دستور الهی از مکه خارج شدند و به سمت مدینه حرکت کردند و در بین راه برای حفظ جان خویش به غاری رفتند و مدتی در آن غار به سر بردند. (ر.ک: ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۷۱؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۴۸؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۵۹۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۶۳) نیز هر دو گروه برآن‌اند که این آیه و دو آیه قبل از آن، زمانی نازل شدند که گروهی از مسلمانان از رفتن به جبهه جنگ خودداری می‌کردند و در اجرای دستور پیامبر؟ مل؟ سستی می‌نمودند. این آیات مسلمانان را از بی‌توجهی و کوتاهی‌کردن امر جهاد و یاری‌رساندن پیامبر؟ مل؟ برحذر می‌دارد و تصریح می‌کند: اگر شما مسلمانان در این کار پیامبر را یاری نرسانید، خداوند، خود، او را یاری می‌کند؛ چنان‌که پیش از این در جریان هجرت او از مکه به

مدینه، در تنگنای غار او را یاری و کمک رسانید؛ آن زمان که هیچ یار و یآوری نداشت و تنها کسی که با او همراه بود، خود نیز دچار ترس و اندوه شده بود (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۹۴ \_ ۹۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۳۱۴؛ دینوری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۱۴ \_ ۳۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۰ \_ ۲۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۷ \_ ۵۰).

#### ۱. ۴ \_ ۲ \_ غار ثور

دانشمندان شیعه و اهل تسنن همگی غاری که در این آیه ذکر گردیده است را غار ثور می‌دانند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۹۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۸)؛ مگر تعداد اندکی از علما که آن را غار حراء می‌دانند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۵۳) که به نظر می‌رسد برگرفته از روایتی است که اهل تسنن آن را نقل کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۴۵).

#### ۱. ۴ \_ ۳ \_ مصداق مصاحب پیامبر؟ در غار

اکثریت علمای فریقین درباره مصداق «صاحب» در آیه مورد بحث اتفاق دارند که او ابوبکر است. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۸؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۷۹؛ سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۴۲۱).

#### ۲. ۴ \_ بیان نقاط مفترق

علاوه بر دلالت‌های بعضی از تعابیر آیه غار که اهل تسنن آن‌ها را دالّ بر فضیلت ابوبکر می‌دانند و علمای امامیه آن‌ها را رد می‌کنند و تفصیل آن در تحلیل تطبیقی نقاط فضیلت بخش آیه غار به صورت مستقل خواهد آمد، نقاط افتراق دیگری نیز وجود دارد. برخی از دانشمندان شیعه تردید کرده‌اند که صاحب پیامبر؟ در غار ابوبکر نبوده است و در این زمینه ایرادهایی وارد کرده‌اند: یکی این‌که او ابوبکر نبوده، بلکه شخص بلد و راهنمای راه بوده و به سبب تشابه اسمی این اتفاق افتاده؛ دوم، حدیثی از عایشه است مبنی بر این‌که آیه‌ای درباره من و خاندانم نازل نشده است مگر آیه افک. ایراد سوم این است که حضور ابوبکر در مدینه قبل از پیامبر؟ در نماز قابل تأمل و

حتی غیر ممکن است؛ اشکال دیگر این است که ابوبکر هیچ‌کجا این جریان را به زبان نیاورده و استشهاد نکرده است. نیکو است تا این نقاط افتراق مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۲. ۴ \_ ۱ \_ ابو بکر یا عبد الله بن بکر

برخی ادعا کرده‌اند ابوبکر همراه پیامبر؟ صل؟ در مسیر هجرت از مکه تا غار ثور و سپس مدینه نبوده است؛ بلکه ابن‌بکر یعنی «عبدالله بن بکر بن اریقط» که در راه مهاجرت راهنما و راه بلد رسول الله؟ صل؟ بوده است. (ر.ک: طائی، ۱۳۸۲، ص ۹۵ \_ ۱۲۳) اینان بر این اساس ادعای خود را پیش می‌برند که اسم ابوبکر، در ابتدا عتیق بوده و سپس دیگران برای این‌که او را در جای دلیل راه یعنی ابن‌اریقط جا بزنند، او را عبدالله خوانده‌اند. (همان) این ادعا تا اینجا صحیح است که اسم ابتدایی ابوبکر، ابوقحافه عتیق بن عثمان بوده است که برخی از اهل لغت، نام او را عبدالله گفته‌اند و ابوقحافه به سبب جمال و زیبایی ابوبکر گفته می‌شده است. (ابن‌درید ازدی، ۱۳۷۸، ص ۴۹) بعضی نیز اسم او را عبدالله بن اَبی‌قحافه ابوبکر الصدیق و نام وی در جاهلیت را عبدالکعبه دانسته‌اند. (خزاعی، ۱۴۱۹، ص ۳۵) مشخص است تسامحاً مقصود از اسم در اینجا لقب و کنیه هم می‌باشد.

اما آنچه در کتب مربوطه یافت شد، گفته ابن‌اثیر به نقل از ابن‌هشام است که نام او «عبد الله بن اریقط» می‌باشد که از قبیله بنی‌الدئل بن بکر بوده است. (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۷۸) به همین سبب است که گاهی به او «عبدالله بن اریقط دئلی» گفته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۴).

نیز استدلال کرده‌اند از آنجاکه پیامبر؟ صل؟ به همراه راهنما یعنی «عبدالله بن اریقط» به سمت مدینه در حرکت بوده و آیه مورد بحث نیز با عبارت «ثانی اثنین» اشاره داشته که آن‌ها دو نفر بودند، ابوبکر نمی‌تواند همراه با پیامبر؟ صل؟ بوده باشد، زیرا چه بیرون از غار و چه درون غار پیامبر؟ صل؟ و همراهش، مجموعاً دو نفر بوده‌اند. (ر.ک: طائی، ۱۳۸۲، ص ۹۵ \_ ۱۲۳) اما این استدلال تمام نیست، زیرا چنان‌که از مطالعه تمام قصه هجرت و غار بر می‌آید، ابتدا



پیامبر؟ صل؟ با دلیل راه همراه شده و سپس در میانه راه ابوبکر با پیامبر؟ صل؟ مواجه شده است و تاریخ در اینجا نسبت به ابن اریقظ ساکت است که او که طبق آیه قرآن در بیرون از نفرات غار بوده، چه می‌کرده است؛ اما قطعاً در غار نبوده است. درباره ملاقات بدون درخواست پیامبر؟ صل؟ با ابوبکر در میانه راه غار آورده‌اند که پس از خارج شدن پیامبر؟ صل؟ از خانه، ابوبکر به خانه پیامبر؟ صل؟ آمد؛ پس علی؟ ع؟ را در جای پیامبر خفته یافت. جریان را از علی؟ ع؟ جویا شد. علی؟ ع؟ به او فرمود: پیامبر؟ صل؟ از مدینه خارج شد و به طرف بئر ام‌میمون حرکت کرد. آن‌گاه ابوبکر به دنبال پیامبر؟ صل؟ رفت؛ در بین راه به ایشان ملحق شد (ابن هشام، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۸).

همچنین در برخی کتب شیعه و سنی آورده شده که رسول‌الله؟ صل؟ و ابوبکر و غلام او یعنی عامر بن فهیره و عبدالله بن اریقظ در قضیه هجرت باهم بوده‌اند. (ر.ک: ابن حمدون، ۱۹۹۶، ج ۹، ص ۱۴۵؛ ابن طیفور، ۱۳۷۸، ص ۶۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۳) البته ممکن است مقصود از این اشخاص، نفراتی باشد که از هجرت و مکان حضرت رسول؟ صل؟ اطلاع داشته‌اند؛ چنان‌که در روایتی اشاره شده که پنج نفر از جای پیامبر؟ صل؟ مطلع بودند که نفر پنج را برخی اسما بنت عمیس دانسته‌اند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۶).

#### ۲\_۴\_۲\_ روایت عایشه

حدیثی از عایشه مبنی بر این‌که چیزی از قرآن درباره خاندان من نازل نشده، باعث گردیده تا برخی تصور کنند صاحب پیامبر؟ صل؟ در غار ابوبکر نیست. عایشه می‌گوید:

«لم ينزل الله فينا شيئاً من القرآن»؛ (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷، ج ۸،

ص ۹۶)

هرگز آیه‌ای در حق ما نازل نشده است.

بخاری نقل مذکور را به صورت کامل آورده است:

حدثنا موسى بن إسماعيل حدثنا أبو عوانة عن أبي بشر عن يوسف بن ماهك قال قال مروانُ علي الحجاز استعمله معاوية فخطب فجعل يذكر يزيد بن معاوية لكي يبايع له بعد أبيه فقال له عبد الرحمن بن أبي بكر شيئاً فقال خذوه فدخل بيت عائشة فلم يقدروا فقال مروان إن هذا الذي أنزل

اللَّهِ فِيهِ «وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفْ لَكُمْمَا أُنْعِدَانِي» فَقَالَتْ عَائِشَةُ مِنْ وَرَاءِ الْحَجَابِ: «مَا أُنزِلَ اللَّهُ فِيْنَا شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَنْ اللَّهُ أُنزِلَ عُدْرِي» (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۸ \_ ۱۹).

معاویه بن ابی‌سفیان، مروان را به حکومت حجاز منصوب کرده بود، مروان خطبه خواند و در آن از یزید بن معاویه نام برد تا برای حکومت بعد از پدرش از مردم بیعت گیرد. عبدالرحمن بن ابی‌بکر چیزی گفت، مروان گفت: او را بگیرید. عبدالرحمن وارد خانه عایشه شد و آنان نتوانستند دستگیرش کنند. مروان گفت: او کسی است که خداوند این آیه را درباره او نازل کرده است: «و آن کس که به پدر و مادر خود گوید: «اف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که زنده خواهم شد». عایشه از پشت پرده گفت: هیچ چیزی از قرآن درباره ما خاندان نازل نشده است؛ مگر این که خداوند [آیه] عذر مرا [یعنی آیه افک را] نازل کرده است.

جمله «ما أُنزِلَ اللَّهُ فِيْنَا شَيْئًا» نکره در سیاق نفی است که دلالت بر عموم می‌کند (ر.ک: ابن‌حاجب، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۶). از طرف دیگر کلمه «الا» در جمله «إِلَّا أَنْ اللَّهُ أُنزِلَ عُدْرِي» از ادات حصر است و طبق قواعد ثابت شده در علم اصول، جمله استثنائیه، دلالت بر حصر می‌کند و دارای مفهوم است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۵۷)، بنابراین، این روایت ثابت می‌کند هیچ آیه‌ای به صورت اختصاصی درباره خاندان عایشه که ابوبکر نیز جزو آن است، نازل نشده است. در نتیجه این روایت با روایاتی که ثابت می‌کند ابوبکر به همراه رسول خدا؟ صل؛ در غار بوده و آیه «غار» درباره او نازل شده است، در تعارض است. برخی علمای اهل تسنن پاسخ داده‌اند که مراد از «فینا» در نقل عایشه فرزندان ابوبکر است و شامل خود ابوبکر نمی‌شود (عینی غیتابی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۸۲۷). اما این ادعایی است بدون دلیل، زیرا دلیل خلاف آن، یعنی عمومیت نقل عایشه در نفی نزول آیه‌ای درباره خاندان عایشه وجود دارد. در یک جواب نقضی نیز گفته می‌شود: طبق ادعای برخی از علمای اهل تسنن، آیاتی مانند «{الْأُولُونَ} (توبه، آیه ۱۰۰)» مربوط به ابوبکر می‌شود (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۲۵۰) که یا باید حدیث عایشه را کنار بگذارند یا شأن نزول ادعایی را و یا قائل شوند این آیات فقط مخصوص ابوبکر است، نه خاندان و فرزندان او حتی عایشه که با توجه به الفاظ عام این‌گونه آیات و

توجه به قاعده العبرة بعموم اللفظ لا به خصوص السبب (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۳۲؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۹۶) نمی‌توانند از ظهور آیه در عمومیت فرزندان ابوبکر دست بردارند.

اما این احتمال وجود دارد که مقصود عایشه فضایل مربوط به آن‌ها باشد، زیرا نوع استثنا به کار گرفته عایشه در جمله «إِلَّا أَنْ اللَّهَ أَنْزَلَ عَذْرِي» نشان از نوعی اقرار عایشه به کار خطای خود در جریان افک یعنی مشغول شدن به جمع کردن دانه‌های گردن‌بند و غفلت نسبت به رفتن کاروان شده است و در نهایت خدا با نزول آیه افک بنا بر ادعای برخی از علما، او را از تهمتی که به وی زدند، مبرا نمود. به عبارت دیگر عایشه در مقام استثناکردن عدم نزول آیه نسبت به خاندانش نبود؛ بلکه این استثنا نسبت به حکم آن آیات است که اگر آیه‌ای هم نازل شده باشد، درصدد فضیلت‌گویی نیست، بلکه در مقام توجیه عذرهای ماست. در برخی روایات نیز دیده می‌شود که قسمت‌هایی از قرآن بر فضایل اهل بیت؟ مهم؟ نازل شده و قسمت‌هایی بر رد مخالفان آن‌ها. مانند:

عن الأصبغ بن نباتة قال: سمعت أمير المؤمنين؟ ع؟ يقول: نزل القرآن أثلاثاً: ثلث فينا و في عدوتنا، و ثلث سنن و أمثال، و ثلث فرائض و أحكام (ثمالي، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱).

#### ۲. ۴\_۳\_ حضور ابوبکر در مدینه قبل از پیامبر؟ مل؟

بیشتر مسلمانان، پیش از رسول خدا؟ مل؟ به مدینه هجرت کردند. امام جماعت آنان تا قبل از رسیدن پیامبر؟ مل؟ به آنجا سالم مولی حذیفه بود و این به آن سبب بود که وی در قرائت قرآن از دیگران بهتر بود (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۵). خلیفه اول و دوم و برخی دیگر پشت سر او در آن مدّت نماز خوانده‌اند. (همان، ج ۱۱، ص ۵۱)؛ یعنی ابوبکر، قبل از رسول خدا به قبا رسیده، به استقبال پیامبر؟ مل؟ آمد و در نماز جماعت گروه اول مهاجران شرکت کرده و او نمی‌توانسته هم‌زمان در دو جا، یعنی هم در سفر همراه پیامبر؟ مل؟ و هم در مدینه در نماز جماعت باشد. برخی محدثان اهل تسنن این مشکل را پذیرفته‌اند و راهکارهای تکلف‌آمیزی ارائه داده‌اند. (عینی غیتابی، ۱۴۰۹، ج ۲۴، ص ۲۵۴؛ (عسقلانی، ۱۴۰۰، ج ۱۶، ص ۴۲۹).

بیہقی می‌آورد که شاید این نماز در زمان دیگری بوده است، زیرا ابوبکر به همراه رسول خدا وارد شد. ممکن است این نماز جماعت قبل یا بعد از آمدن رسول خدا؟ صل؟ بوده، هر دو احتمال وجود دارد؛ اما این‌که راوی گفته که در این نماز ابوبکر نیز حضور داشته، ثابت می‌کند این نماز بعد از آمدن رسول خدا؟ صل؟ بوده است. (بیہقی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۹) با این همه گفته شده: مقصود از مسجد قبا همان موضعی است که به آن قبا می‌گفتند و چندی بعد در آنجا مسجد قبا ساخته شد و نماز جماعت سالم مولی حذیفه قبل از ورود پیامبر اکرم؟ صل؟ به مدینه بوده است (عسقلانی، ۱۴۰۰، ج ۱۳، ص ۱۶۸).

گرچه اثبات حضور ابوبکر در غار با توجه به نقل شرکت در نماز جماعت سالم مولی حذیفه، مشکل است؛ اما بنا بر مشی امامان شیعه؟ ع؟ در پاسخ‌گویی به سؤال افراد، روایتی از امام سجاد؟ ع؟ در کافی ذکر شده است که این تعارض را حل می‌کند:

فَقَالَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيْبِ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، كَانِ أَبُو بَكْرٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ أَقْبَلَ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَأَيْنَ فَارَقَهُ؟ فَقَالَ: «إِنَّ أَبَا بَكْرٍ لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى قَبَا، فَنَزَلَ بِهِمْ يَنْتَظِرُ قُدُومَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ: انْهَضْ بِنَا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَإِنَّ الْقَوْمَ قَدْ فَرَحُوا بِقُدُومِكَ وَهُمْ يَسْتَرِيثُونَ إِقْبَالَكَ إِلَيْهِمْ، فَانْطَلِقْ بِنَا، وَ لَا تَقُمْ هَاهُنَا تَنْتَظِرُ عَلِيًّا، فَمَا أَظُنُّهُ يَقْدَمُ عَلَيْكَ إِلَى شَهْرِ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَلَّا مَا أَسْرَعَهُ، وَ لَسْتُ أَرِيْمُ حَتَّى يَقْدَمَ ابْنُ عَمِّي وَ أَخِي فِي اللَّهِ \_ عَزَّ وَ جَلَّ \_ وَ أَحَبُّ أَهْلِ بَيْتِي إِلَيَّ، فَقَدْ وَقَانِي بِنَفْسِهِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». قَالَ: «فَغَضِبَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَ اشْتَمَأَّ، وَ دَاخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ حَسَدٌ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ كَانَ ذَلِكَ أَوَّلَ عِدَاوَةٍ بَدَتْ مِنْهُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَوَّلَ خِلَافٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَانْطَلَقَ حَتَّى دَخَلَ الْمَدِينَةَ، وَ تَخَلَّفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقَبَا يَنْتَظِرُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ» (كليني، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۷۵۴).

سعید بن مسیب به علی بن الحسین؟ عهما؟ عرض کرد: فدایت شوم! ابوبکر در هنگام ورود رسول خدا؟ صل؟ به مدینه همراه ایشان بود؛ در کجا از او جدا شد؟ فرمود: هنگامی که رسول خدا؟ صل؟ در محل قبا وارد گردید، منتظر آمدن علی؟ ع؟ شد؛ ابوبکر عرض کرد: برخیز تا به مدینه

برویم، زیرا مردم با ورود شما خوشحال می‌شوند و برای ورود شما ساعت‌شماری می‌کنند، پس بیا تا مدینه برویم و در اینجا با انتظار آمدن علی توقف نکن که گمان ندارم او تا یک ماه دیگر بیاید! رسول خدا؟ صل؟ فرمود: هرگز! او به‌زودی می‌آید و من از اینجا نروم تا عموزاده‌ام و برادرم در راه خدای عزوجل و محبوب‌ترین افراد خاندانم نزد من بیاید، چون او بود که جان خود را سپر من از مشرکان کرد. امام؟ ع؟ فرمود: در اینجا بود که ابوبکر خشمناک شد و متنفر گشت و حسدی از علی؟ ع؟ در دل گرفت و این نخستین عداوت و دشمنی بود که درباره علی؟ ع؟ نسبت به رسول خدا؟ صل؟ اظهار کرد و اولین مخالفتی بود که با رسول خدا؟ صل؟ کرد؛ و از این‌رو ابوبکر به مدینه آمد و رسول خدا؟ صل؟ در انتظار علی؟ ع؟ در قبا ماند.

این روایت نشان می‌دهد که پیامبر؟ صل؟ و ابوبکر با هم به قبا رسیدند؛ اما ابوبکر زودتر آنجا را ترک کرد و به مدینه رسید. بنابراین این قضیه را نقض نمی‌کند که آن دو با هم در غار نیز بوده باشند.

#### ۴. ۲\_ عدم استدلال ابوبکر به آیه غار

استدلال کرده‌اند که ابوبکر هیچ کجا این جریان را به زبان نیاورده و استشهاد نکرده است و در هیچ کتابی از اهل تسنن به استشهاد خود او بر این آیه تصریح نشده است (ر.ک: طائی، ۱۳۸۲، ص ۹۵ \_ ۱۲۳).

اما در پاسخ باید گفت: نقل برخی منابع ظهور در اقرار ابوبکر به قضیه غار دارد (ر.ک: خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۸۴)، یا حتی استدلال اطرافیان ابوبکر مانند ابوعبیده جراح و عمر و عثمان به قضیه غار در فضیلت‌بخشی برای گرفتن بیعت برای ابوبکر و سکوت او به رضایت نسبت به آن، دیده می‌شود. (جوهری بصری، ۱۳۹۷، ص ۶۲؛ طبری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۳۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۴۷؛ امینی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۱۲۵) نیز ابن‌کثیر روایتی به نقل از ابوسعید آورده که ابوبکر به فضایل خود از جمله مصاحبت اشاره دارد که با توجه به سیاق فضیلت‌گویی، ظاهراً به صاحب غار بودنش انصراف پیدا می‌کند:

قال أبو بكر الصديق رضي الله عنه: أ لست أحق الناس بها، أ لست أول من

اسلم، أ لست صاحب كذا؟ (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷).  
 ابوبکر خود نیز هنگامی که یهودیان از او خواستند تا پیامبر را توصیف کند، گفت:

عشر اليهود لقد كنت معه في الغار كإصبعي هاتين (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۵۴، ص ۱۹۷؛ شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۳۹).  
 بخاری نیز اقرار ابوبکر به قضیه غار را نقل کرده است که من با پیامبر؟ صل؟ در غار بودم، با خود گفتم که نکند ما را ببینند! در این هنگام رسول خدا؟ صل؟ فرمود: گمانت درباره دو نفری که خدا سومی آنها است، چیست؟ (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۷۸)

آنچه از فضیلت‌هایی که اطرافیان ابوبکر یا به صورت لفافه خود او گفته‌اند، محصور در قضیه غار است و یا سبقت او در اسلام علی رغم این که وی پس از پنجاه نفر اسلام آورد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۶؛ امینی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۴۰). نیز در روایتی امیرالمؤمنین علی؟ ع؟ به اقرار ضمنی حضرت مبنی بر قضیه غار برای ابوبکر و البته عدم فضیلت آن نسبت به قضیه لیلۃ المبیت اشاره شده است (رضی، ۱۴۰۶، ص ۵۸). قاضی نورالله شوشتری در رد دلالت آیه مورد بحث بر فضیلت ابوبکر، مطالبی آورده است؛ در حالی که اجماع ادعایی هیثمی در مصاحبت ابوبکر در غار با پیامبر؟ صل؟ را رد نکرده است (شوشتری، ۱۳۶۷، ص ۳۰۷).

بحث آیه غار پس از ابوبکر در دوران صحابه و تابعان و ائمه شیعه؟ ع؟ نیز رواج داشته است. شخصی به حذیفه بن یمان درباره اختلاف و پنج فرقه شدن اهل عراق مطالبی بیان می‌کند و استدلال هر فرقه بر افضلیت ابوبکر یا عمر یا ابوذر یا سلمان را بیان می‌کند؛ مثلاً برای گروهی که ابوبکر را افضل می‌دانستند به مصاحبت غار او و صدیق بودنش استناد می‌کند که حذیفه به هر کدام پاسخ داده و گروه پنجم، یعنی ولایت‌مداران علی؟ ع؟ را بر حق می‌شمارد. (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۱/۱۱۹) شعبی که از تابعان منسوب به دستگاه بنی‌امیه بوده و مذمت آن نزد شیعه آشکار می‌باشد (ر.ک: مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۳۹۶)، در فضیلت ابوبکر به آیه غار به عنوان یکی از چهار خصلت منحصر به فرد ابوبکر استناد کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۳۰، ص ۲۶۶).

علامه مجلسی نقل می‌کند در کتب قدما مناظره‌ای بین امام باقر(ع) و حروری دربارہ همین چهار خصلت ابوبکر دیده است و سپس آن را نقل می‌کند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۷، ص ۳۲۱)؛ چنان‌که در مناظره ابو خدره با مؤمن طاق از صحابه و راویان احادیث امام سجاد و امام باقر و امام صادق(ع)م؟ (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۵) نیز خصایل چهارگانه انحصاری مورد ادعا برای ابوبکر تکرار شده است (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۲، ص ۳۷۸). البته این سخن عسقلانی که از تابعین کسانی همانند مؤمن طاق بودند که منکر ارتباط داشتن آیه غار با ابوبکر بودند (عسقلانی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۱۵) خطاست، زیرا با مراجعه به مناظره او معلوم می‌شود، فضیلت آن را منکر شده است.

مناظره هشام بن حکم در مجلسی که هارون الرشید ترتیب داد، نیز در ارائه و رد دلالت آیه غار برای استفضال ابوبکر نیز قابل توجه است (مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۹۶ \_ ۹۷). حتی مأمون عباسی نیز با اسحاق که یکی از اهل تسنن بود، درباره آیه غار مناظره داشته است (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۶ \_ ۲۰۸).

این بحث آن قدر مهم است که حتی حضرت ولی عصر(عج) نیز کیفیت مناظره با قضیه غار را به سعد آموخته است:

ثُمَّ قَالَ مَوْلَانَا يَا سَعْدُ وَ حِينَ ادَّعَى خَصْمُكَ... فَكَيْفَ تَقُولُ حِينَئِذٍ اَلَيْسَ كَمَا عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ اَنَّ الْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِهِ لِأَبِي بَكْرٍ عَلِمَ اَنَّهَا مِنْ بَعْدِ أَبِي بَكْرٍ لِعَمْرٍ وَ مِنْ بَعْدِ عُمَرَ لِعُثْمَانَ وَ مِنْ بَعْدِ عُثْمَانَ لِعَلِيٍّ فَكَانَ اَيْضًا لَا يَجِدُ بُدًّا مِنْ قَوْلِهِ لَكَ نَعَمْ ثُمَّ كُنْتَ تَقُولُ لَهُ فَكَانَ اَلْوَجِبَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ؟ مَلْ؟ اَنْ يُخْرِجَهُمْ جَمِيعًا عَلَيَّ التَّرْتِيبَ اِلَى الْغَارِ وَ يُشْفِقَ عَلَيْهِمْ كَمَا اَشْفَقَ عَلَيَّ أَبِي بَكْرٍ وَ لَا يَسْتَخِفُّ بِقَدْرِ هَوْلِ الثَّلَاثَةِ بِتَرْكِهِ اِيَّاهُمْ وَ تَخْصِيْمِهِ اَبَا بَكْرٍ وَ اِخْرَاجِهِ مَعَ نَفْسِهِ دُونَهُمْ (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۶۳).

خلاصه تعلیم امام(ع)؟ مبنی بر تطبیق و مقایسه است. ایشان می‌فرماید: ای سعد! خصم تو می‌گوید که رسول‌الله(صل)؟ هنگام مهاجرت برگزیده این امت را همراه خود به غار برد، چون می‌دانست که خلافت با اوست و در تأویل پیشواست و زمام امور امت به دست او خواهد افتاد و او در ایجاد اتحاد و سد خلل و اقامه حدود و اعزام جیوش برای فتح بلاد کفر معتمد است و همان‌گونه

که پیامبر بر نبوت خود می‌ترسید بر خلافت خود هم می‌هراسید، زیرا کسی که در جایی پنهان می‌شود یا از کسی فرار می‌کند قصدش جلب مساعدت دیگران نیست و علی را در بستر خود خوابانید، چون به او اعتنایی نداشت و با او هم‌سفر نشد، زیرا که بر او سنگینی می‌کرد و می‌دانست که اگر او کشته شود، شخص دیگری را نصب خواهد کرد که بتواند کارهای او را انجام دهد. پس چرا دعوی او را این چنین نقض نکردی که آیا رسول خدا؟ صل؟ به زعم شما نفرمود: دوران خلافت پس از من سی سال است و این سی سال مدت عمر خلفای راشدین است و گریزی نداشت جز آن که تو را تصدیق کند، آن‌گاه می‌گفتی: آیا همان‌گونه که رسول خدا می‌دانست که خلیفه پس از وی ابوبکر است، آیا نمی‌دانست که پس از ابوبکر عمر و پس از عمر عثمان و پس از عثمان علی خلیفه خواهند بود؟ و او راهی جز تصدیق تو نداشت سپس به او می‌گفتی: پس بر رسول خدا؟ صل؟ واجب بود که همه آن‌ها را به غار ببرد و بر جان آن‌ها بترسد، همچنان که بر جان ابوبکر می‌هراسید و به واسطه ترک آن سه و تخصیص ابوبکر به همراهی خود آن‌ها را خوار نسازد. (همان) نهایتاً به قول شیخ مفید درباره غیر قابل انکار بودن همراهی ابوبکر با پیامبر؟ صل؟ در غار و در عین حال عدم فضیلت خاص برای او بسنده می‌شود که فرموده است:

أما خروج أبي بكر مع النبي؟ صل؟ فغير مدفوع و كونه في الغار معه غير مجود و استحقاق اسم الصحبة معروف إلا أنه ليس في واحدة منها و لا في جميعها ما يظنون له من الفضل فلا تثبت له منقبة في حجة سمع و لا عقل (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۱۸۵ \_ ۱۸۶).

با این همه، نکاتی چون عدم ذکر پیامبر؟ صل؟ در مورد وجود ابوبکر در غار در زمان‌های بعدی اگر نشان از عدم وقوع نباشد، دلیل عدم فضیلت است. به عبارتی \_ چنان‌که ملاحظه گردید \_ در مناظره‌های اهل بیت؟ عم؟ و اصحاب ایشان، بحث از انکار حضور ابوبکر نیست، بلکه سخن از خطای در استفضال است.

پس از بیان پیشینه بحث آیه غار در مناظره‌ها از صدر اسلام، نیکوست که مناظره شیخ مفید به‌عنوان یکی از استدلال‌های مهم و جامع و متقدم شیعه



در باب آیه غار تقریر گردد.

۵. تحلیل تطبیقی نقاط فضیلت بخش آیه با محوریت مناظره شیخ مفید  
مناظره شیخ مفید در عالم رؤیا با عمر بن خطاب که محوریت مقاله حاضر است، نکاتی را درباره استفضال بر ابوبکر مطرح نموده که هرکدام جداگانه با استفاده از منابع فریقین تبیین و تحلیل می‌شوند.

### اول

ابوبکر دومی بعد از پیامبر؟ صل؟ است؛ «ثانی اثنین»؛ شیخ مفید پاسخ داده است که دومی بودن در کنار اول بودن پیامبر؟ صل؟ فضیلتی نیست، زیرا مؤمن با مؤمن و یا کافر با مؤمن در یک جا قرار می‌گیرند و هنگامی که انسان بخواهد یکی از آن‌ها را ذکر کند، می‌گوید: «ثَانِي اثْنَيْنِ». (ر.ک: کراجکی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸ \_ ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ \_ ۵۰۲). در واقع این تعبیر تنها از این خبر می‌دهد که پیامبر؟ صل؟ به همراه شخصی دیگر از مکه خارج شدند. (طوسی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۲).

### دوم

به ابوبکر در کنار رسول الله؟ صل؟ خطاب شده: «إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ»؛ شیخ مفید جواب داده است علاوه بر این که مؤمن و کافر هم می‌توانند کنار هم قرار گیرند، کنار رسول خدا؟ صل؟ قرار گرفتن، مزیتی محسوب نمی‌شود؛ در مسجدالنبی؟ صل؟ که شرافتش از غار ثور بیشتر بود هم مؤمن و هم منافق و هم کافر [ی که اظهار کفر نمی‌کرد] همگی در کنار همدیگر می‌نشستند و همچنین در کشتی نوح؟ ع؟ نیز هم پیامبر خدا در آن بود و هم شیطان و هم حیوانات؛ پس اجتماع در یک مکان دلیل بر فضیلت نیست (ر.ک: کراجکی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸ \_ ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ \_ ۵۰۲). شیخ طوسی نیز معتقد است این جمله فقط خبری در این باره است که آن دو در غار به سر می‌بردند. (طوسی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۲).

### سوم

ابوبکر مصاحب پیامبر؟ صل؟ معرفی گشته: «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ».

فخر رازی به همین فقره استدلال کرده و می‌نویسد: «إنه تعالی وصف أبابکر بكونه صاحباً للرسول و ذلك يدلّ علی کمال الفضل» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۳ \_ ۵۵).

اما آلوسی می‌گوید: «در این آیه به مصاحبت و همراهی ابوبکر با پیامبر اکرم؟ صل؟ تصریح شده و این ویژگی برای هیچ‌کدام از اصحاب پیامبر ثابت نشده است و به اجماع علما، مراد از صاحب ابوبکر است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۴۵). گویا این مصاحبت را به معنای اصطلاحی صحابی بودن پیامبر؟ صل؟ گرفته است، زیرا مصاحبت در غار با یک پیامبر به تنهایی فضیلتی نیست؛ گرچه در اخذ معنای اصطلاحی هم همین اشکال وجود دارد، زیرا دیگرانی نیز صحابه پیامبر؟ صل؟ بوده‌اند و این مصاحبت اگر فضیلت است، لزومی به انحصار در یک نفر ندارد و باید به همه صحابه تعمیم داده شود؛ مگر این‌که در این مصاحبت، فضیلت خاصی اخذ شده باشد که هذا اول الکلام. به عبارت دیگر، کلمه «صاحب» در قرآن به معنای لغوی آن به کار رفته است؛ چنان‌که در آیه سوره تکویر، پیامبر؟ صل؟ صاحب کفار قرار گرفته است: «وَمَا صَا لِبُکُمْ بِمُجْنُونٍ» (تکویر، آیه ۲۲)؛ و همنشین شما (پیامبر) دیوانه نیست». این مصاحبت قطعاً فضیلتی برای کفار در بر ندارد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ج ۲۷ \_ ۲۸).

این‌که آلوسی در آیه مورد بحث را به معنای اصطلاحی صحابه پیامبر؟ صل؟ گرفته باشد، تأییدی نیز دارد. مفسران عامه آورده‌اند: کسی که صحابی بودن عمر یا عثمان و یا یکی از صحابه را انکار کند، دروغگو و بدعت‌گذار به شمار می‌رود؛ اما کسی که صحابی بودن ابوبکر را منکر شود، کافر است، زیرا صریح قرآن را رد کرده است» (رسعنی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۰۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۴۶؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۱). آلوسی نیز خود دلیل کفر منکر مصاحبت ابوبکر با پیامبر؟ صل؟ به عنوان صحابه را آیه غار می‌داند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۴۴).

شیخ مفید پاسخ داده است که تشرف ابوبکر به مصاحبت در غار با پیامبر؟ صل؟ دلالت بر فضل ندارد، زیرا «صاحب» به معنای همراه است و چه بسا کافری با مؤمنی همراه باشد؛ چنان‌که خداوند در قرآن فرماید: «قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا» (کهف، آیه ۳۷)؛ همراهش \_ درحالی‌که او با وی گفتمان داشت \_ به او گفت: آیا به کسی کفر

می‌ورزی، که تو را از خاک، سپس از آب اندک سیال آفرید، سپس تو را (به صورت) مردی، مرتب آراست؟» گاهی نیز در لغت عرب لفظ «صاحب» به حیوانات نیز اطلاق می‌شود مانند:

ان الحمار مع الحمار مطية فاذا خلوت به فبئس  
الصاحب

**ترجمه:** همانا الاغ با الاغ همراه شده و چون من با حمار تنها شوم بد صاحب و همراهی است و راه نمی‌رود و کندی می‌کند.

سپس شیخ مفید نمونه شعری بر این‌که گاهی «صاحب» بر جمادات مانند شمشیر نیز اطلاق شده، می‌آورد. بنابراین لفظ «صاحب» معنایی عام دارد که بر هر مصداقی که دلالت بر همراهی نماید، قابل انطباق است؛ مانند کافر و حیوان و جماد و ابوبکر و دلیلی بر فضیلت وی نیست (ر.ک: کراجکی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸ - ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ - ۵۰۲). شیخ طوسی نیز در تفسیر خود از همین استدلال بهره برده است. (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۲ - ۲۲۳).

علامه طباطبائی به نکته لطیفی درباره فضیلت تراشی‌ها اشاره می‌کند. وی معتقد است بنا بر فرض، این‌که این همراهی ابوبکر با پیامبر؟ صل؟ در غار، فضیلت باشد، تنها یک ارزش و فضیلت اجتماعی است، نه یک ارزش مقدس دینی. در عرف قرآن تنها چیزی که ملاک ارزش‌گذاری و ارجمندی است، عبودیت و تقواست؛ نهایتاً آن مدح و ستایش صدر آیه و این قید و محدودیت ذیل آیه، قابل تأمل و تدبیر است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۹۵).

#### چهارم

رسول خدا؟ صل؟ نسبت به او شفقت فرموده: «لا تَحْزَنُ»؛ برخی از مفسران نیز توجیه دیگری کرده‌اند مبنی بر این‌که حزن و اندوهی که ابوبکر را در آن موقعیت دربرگرفته بود، به خاطر شخص خودش نبود، بلکه نگرانی او برای جان پیامبر اکرم؟ صل؟ و سست شدن اسلام بود. (ر.ک: ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۷؛ روزبهان بقلی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۱۷). اما کلام فخر رازی نکته‌ای دارد مبنی بر این‌که ابوبکر از روی ترس بر جان پیامبر؟ صل؟

شروع به گریستن کرد (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۶۳). اگر کسی از روی مراقبت بر جان دیگری می‌ترسد، نباید با گریه دشمن را متوجه سازد.

برخی متکلمان و مفسران شیعه بر این باورند که احتمال توبیخی‌بودن این فقره از ناحیه پیامبر؟ صل؟ نسبت به ابوبکر هم وجود دارد. چنان‌که متداول است، برای سرزنش شخصی که کاری ناپسند انجام می‌دهد، گفته می‌شود: «لا تفعل إن الله معنا؛ از این کار بپرهیز، خدا با ماست»؛ یعنی خداوند بر افعال و کردار ما آگاه است. (مفید، ۱۴۱۳ ق ب، ص ۱۹۰؛ طوسی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۳)

شیخ مفید در پاسخ فرموده است: «لا تحزن» دلیل بر نقص و خطای ابوبکر است نه فضیلت، زیرا این حزن و اندوه که منهی پیامبر؟ صل؟ قرار گرفت، اگر اطاعت بوده، در این صورت هرگز پیامبر؟ صل؟ از آن نمی‌کرد (ر.ک: کراجکی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸ - ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ - ۵۰۲)؛ بنابراین شق دوم می‌ماند که معصیت، یا نهایتاً مُبَعَد از مقصود الهی بوده و پیامبر؟ صل؟ از آن نمی‌کرده است. این استدلال ظاهراً برگرفته از برخی مناظره‌های زمان امام رضا؟ ع؟ است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۷). شیخ طوسی اضافه می‌کند که اگر بر فرض «لا تحزن» مذمتی را دربر ندارد، بیان‌کننده هیچ نوع ثنا و ستایش هم نیست، بلکه صرفاً نهی از ترس و نگرانی است (طوسی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۳).

### پنجم

پیامبر؟ صل؟ او را با خبر ساخت که خدا یاور هر دوی ماست: «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛ استدلال مفسران عامه در این فقره از آیه بدین‌گونه است: پیامبر اکرم؟ صل؟ معیت خداوند را به خود و به ابوبکر استناد می‌دهد. قطعاً منظور پیامبر؟ صل؟ از این معیت، همراهی ویژه الهی است، چون اگر منظور معیت عام باشد، همان احاطه علمی و فراگیر خداوند به تمام موجودات معنا می‌شود و حتی کفار و مشرکانی که در جست‌وجوی پیامبر؟ صل؟ بودند را نیز شامل می‌گردد و باعث تسلی خاطر ابوبکر نیز نخواهد بود، چراکه ابوبکر خود نیز از این معیت آگاه بود. معیت خاص فقط شامل اولیای الهی و بندگان شایسته او می‌شود: «{إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ} (نحل، آیه ۱۲۸)»؛ بنابراین ابوبکر نیز از

بندگان صالح و شایسته خداوند به شمار می‌رود. (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۶۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۴۱). آلوسی تعصّب را بدانجا رسانده که این ویژگی را برای ابوبکر یک ویژگی منحصر به فرد می‌داند که او را نه تنها از اصحاب پیامبر؟ صل؟، بلکه از اصحاب تمامی انبیا ممتاز و جدا می‌کند (همان، ص ۱۴۵).

با توجه به این که یاد خدا و معیت او در سختی‌ها و مشکلات برای انسان‌های مؤمن موجب آرامش و تسکین خاطر خواهد بود: «لَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، آیه ۲۸)، معیت در اینجا خاص نیست، زیرا معیت خاص یعنی تأیید و نصرت الهی که به تصریح فقرات بعد فقط شامل حال پیامبر؟ صل؟ شده است. نیز بر فرض این که ابوبکر مشمول معیت خاص گردیده است؛ اما این معیت به برکت پیامبر؟ صل؟ به او داده شده و فضیلتی برای او نیست؛ بلکه امتنانی از ناحیه خداست؛ همچنان که خدا به سبب وجود پیامبر؟ صل؟ در میان مسلمانان، عذاب فرو نمی‌فرستد: «لِيُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَلَسَّ اللَّهُ لَشِيقًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (انفال، آیه ۳۳).

شیخ مفید در جواب آورده است «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» دلیل نیست که مقصود از لفظ جمع شخص پیامبر؟ صل؟ و ابوبکر باشد، بلکه پیامبر؟ صل؟ از شخص خود، تعبیر به جمع می‌کند؛ چنان که خدا فرموده است: «لَا تَحْزَنْ نَزَلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاطِقُونَ» (حجر، آیه ۹۵)؛ در حقیقت ما خود، آگاه‌کننده (قرآن) را فرو فرستادیم و قطعاً ما پاسداران آن هستیم» (ر.ک: کراجکی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸ - ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ - ۵۰۲). نیز ممکن است مقصود پیامبر؟ صل؟ از گفتن این فقره، جامعه مسلمانان باشد؛ یعنی تو ای ابوبکر! اگر خود را جزء جامعه قلیل مسلمانان می‌شماری، باید بدانی که خدا با آن‌هاست.

### ششم

خدا سکینه و آرامش بر ابوبکر نازل فرمود: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»، زیرا همیشه آرامش خدا با پیامبر؟ صل؟ همراه بود و نیازی به نزول آرامش از جانب خداوند برای رسول خدا؟ صل؟ نبود؛ بلکه این ابوبکر بود که در آن موقعیت اندوهگین و محزون گردید؛ چنان که برخی مفسران اهل تسنن آن را به روایت

ابن عباس مستند می‌سازند. (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۷۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۸) حتی ابن جوزی آن را به علی بن ابی‌طالب؟ ع؟ هم نسبت داده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۶۱)، در حالی که همین روایت در منابع دیگر نزول سکینه را بر رسول خدا می‌داند. (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۰). در عین حال قول مشهور در میان علمای اهل تسنن رجوع ضمیر «علیه» به پیامبر؟ صل؟ به سبب رعایت وحدت سیاق و هماهنگی ضمائر نزول سکینه در دیگر آیات قرآن است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۴۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۶). ابن عاشور می‌نویسد: آیات در مقام بیان حال رسول خدا؟ صل؟ در استقامت و تأییدی است که خدا از او به عمل آورده، سخن گفتن آیه از ابوبکر، استطرادی و فرعی است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۰۱) علامه طباطبائی می‌گوید: آیه مورد نظر از سیاق واحدی برخوردار است و جمله ذیل آیه، یعنی «وجعل کلمة الذین کفروا السفلی و کلمة الله هی العلیا»، بیان‌کننده جملات پیشین است و منظور از «کلمة الله»، همان وعده نصرت الهی و مراد از «کلمة الذین کفروا» تصمیم مشرکان بر قتل و نابودی پیامبر؟ صل؟ است. بنابراین، پیش از این جمله باید سخنی از نصرت و یاری پیامبر؟ صل؟ رفته باشد تا این جمله بدان اشارت داشته و آن را دلیل بر اعتلای کلمه الله بدانند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۲۷۹).

اما مفسران اهل تسنن بر بازگشت ضمیر به ابوبکر پافشاری نموده‌اند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۶۵ \_ ۶۶). آلوسی فراتر رفته و معتقد است: بنا بر ارجاع ضمیر به پیامبر؟ صل؟ یا ابوبکر، فضیلت ابوبکر ثابت می‌شود، زیرا عود ضمیر به پیامبر؟ صل؟، نشان از کمال اتحاد و پیوستگی ابوبکر با پیامبر؟ صل؟ خواهد بود، زیرا ابوبکر مضطرب و محزون است؛ اما سکینه بر پیامبر؟ صل؟ نازل می‌شود؛ گویا این دو یک روح در دو جسم‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۴۵). این ادعا از روی تعصب مطرح شده و پاسخ آن، درخواست به برگشتن در راه انصاف است.

شیخ مفید پاسخ گفته است که نزول سکینه و آرامش بر ابوبکر مخالف با ظاهر آیه است، زیرا سکینه بر آن کس نازل شد که به وسیله لشکر نامرئی تأیید شد: «وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا» و با توجه به وحدت سیاق بر همان کس که به جنود تأیید شده، آرامش نازل شد؛ نیز نمی‌توان گفت هم جنود نامرئی

و هم سکینه بر ابوبکر نازل شد، زیرا لازمه آن خروج رسول الله؟ مل؟ از نبوت است؛ اگر ابوبکر [در آن هنگام] مؤمن بود، در سکینه شریک می‌گشت؛ چنان‌که در آیه دیگر آمده است: {فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَى الْمُؤْمِنِينَ} (فتح، آیه ۲۶)؛ پس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد (ر.ک: کراجکی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸ - ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۹ - ۵۰۲). برخی مفسران نیز چنین استدلالی را آورده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۱۴؛ بیدختی گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۵۷).

مطالب گفته‌شده توسط شیخ مفید نیز به صورت مفصل‌تر آورده شده است. (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۱۸۵ - ۱۹۲). ابوالحسن علی بن محمد بن بنان نیز به نقل از شیخ مفید در رساله کوتاهی به نام «شرح الانام» آن را تشریح کرده است. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ج ۱۴).

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته‌شده، آیه ۴۰ سوره توبه معروف به آیه غار، بحث از یک واقعه تاریخی، یعنی پناه‌بردن پیامبر؟ مل؟ به غار ثور در مسیر هجرت به مدینه دارد. ایرادهایی از ناحیه برخی علما نسبت به مصداقیت ابوبکر برای این آیه وارد شده است. اولین اشکال این است که همراه پیامبر؟ مل؟ در غار عبدالله بن بکر بوده است؛ در صورتی‌که نام او عبدالله بن اریقط به‌عنوان دلیل راه‌بردن پیامبر؟ مل؟ به مدینه بوده است و برخی از نقل‌ها هم به چهار یا پنج نفر بودن جماعت پیامبر؟ مل؟ و همراهان اشاره دارد. اشکال بعدی روایت عایشه است مبنی بر این‌که درباره من و خاندانم آیه‌ای نازل نشده؛ مگر افک که ظاهراً مقصود او در زمینه فضیلت مربوط به خاندان وی است. ایراد سوم عدم اثبات حضور ابوبکر در غار با حاضرشدنش در نماز جماعت سالم مولی حذیفه است که با روایتی از کتاب شریف کافی می‌توان آن را توجیه نمود. عدم استدلال ابوبکر به جریان غار دیگر اشکال مطرح شده است که می‌توان موارد نقض آن را در منابع فریفتن یافت. اما مهم‌ترین استدلال‌ها در مناظره شیخ مفید در رؤیا دیده می‌شود که مباحث دیگر مفسران شیعه و اهل تسنن نیز بر حول همان پرورش یافته است. با لحاظ ادبیات و منطق مناظره و بحث

علمای شیعه در مقام تفسیر یا جدل با مخالفان، دیده می‌شود که اولاً، منطق بر این استدلال‌ها حکم فرماست؛ ثانیاً، ادب مناظره نیز رعایت شده است؛ در صورتی‌که در این میان، برخی مفسران اهل تسنن با تعصب به تفسیر این آیه پرداخته‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

### الف) کتابها

۱. آلوسی، محمود، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*؟؟، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. \_\_\_\_\_، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن حاجب، عثمان بن عمر، *الإيضاح فی شرح المفصل*، دمشق، دار سعدالدین، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن حمدون، محمد بن حسن بن محمد بن علی، *التذکرة الحمدونیة*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۶م.
۷. ابن درید ازدی، أبو بکر محمد بن حسن، *الاشتقاق*، قاهرة، خانجی، ۱۳۷۸ق.
۸. ابن سلیمان، مقاتل، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۹. ابن طاووس، علی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام، ۱۴۰۰ق.
۱۰. ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، *بلاغات النساء*، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۸ق.
۱۱. ابن عاشور، محمد طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۲. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة/ منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲ق.
۱۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۵. ابن هشام، عبدالملک، *السیرة النبویة*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ق.
۱۶. امینی، عبد الحسین، *الغدير فی کتاب و السنة و الأدب*، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، قاهره، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ق.
۱۸. بیدختی گنابادی، سلطان محمد بن حیدر، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۱۹. بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی ابوبکر، *سنن البیهقی الکبری*، مکة، مکتبة

- دارالباز، ١٤١٤ق.
٢٥. ثعلبی، احمد بن محمد، *الكشف و البیان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ١٤٢٢ق.
٢١. ثمالی، ابو حمزه ثابت بن دینار، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار المفید، ١٤٢٥ق.
٢٢. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، *السقیفة و فدک*، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، ١٣٩٧ق.
٢٣. حسنی، نبیل، *استنطاق آیه الغار و اشکالیه التنصیم الحدیثی بین التثنیه و التثلیث*، کربلا، العتبه الحسنیه المقدسه، ١٤٣٥ق.
٢٤. خزاعی، علی بن محمد، *تخریج الدلالات السمعیة*، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ١٤١٩ق.
٢٥. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الكبرى*، قم، نشر بلاغ، ١٤١٩ق.
٢٦. دینوری، عبدالله بن محمد، *الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیه/ منشورات محمد علی بیضون، ١٤٢٤ق.
٢٧. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ١٤٢٥ق.
٢٨. رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، *رموز الكنوز فی تفسیر کتاب العزیز*، مکه، مکتبه الأسدی، ١٤٢٩ق.
٢٩. رضی، محمد بن حسین، *خصائص الأئمة؟ هم؟ (خصائص أمير المؤمنين؟ ع؟)*، مشهد، آستان قدس رضوی، ١٤٥٦ق.
٣٥. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه/ منشورات محمد علی بیضون، ٢٥٥٨م.
٣١. زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ١٤٥٧ق.
٣٢. سبزواری، محمد، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ١٤٥٦ق.
٣٣. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر، ١٤١٦ق.
٣٤. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی؟ ره؟، ١٤٥٤ق.
٣٥. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، *الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المهرقة لابن حجر الهيتمي*، تهران، مطبعة النهضة، ١٣٦٧ق.
٣٦. \_\_\_\_\_، *كشف العوار في تفسير آیه الغار*، قم، حبیب، ١٤٢٩ق.

۳۷. شوکانی، محمد، *فتح القدير*، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۳۸. طائی، نجاح، *یار غار ابوبکر یا فردی دیگر؟* بیروت، دار الهدی لاحیاء التراث، ۱۳۸۲ش.
۳۹. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الكبير*، اربد، دار الكتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۴۱. طبرسی، احمد، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۴۲. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۴۳. \_\_\_\_\_، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۴. طبری، محب‌الدین، *الریاض النضرة فی مناقب العشرة*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۴۵. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۴۶. \_\_\_\_\_، *تاریخ الأمم و الملوک*، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۴۸. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۹. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵۰. \_\_\_\_\_، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۰ق.
۵۱. \_\_\_\_\_، *لسان المیزان*، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۲ق.
۵۲. عینی غیتابی، محمود بن أحمد، *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۵۳. فضل‌الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۵۴. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۵۵. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر، ۱۳۹۱ق.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۵۷. ماتریدی، محمد بن محمد، *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، بیروت، دار الکتب العلمیة/ منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ق.
۵۸. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، قم، مؤسسه آل

البيت؟ عہم؟ لِحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.

۵۹. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار،* تهران، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۳ش.

۶۰. مفید، محمد بن محمد، *الاختصاص،* قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق الف.

۶۱. \_\_\_\_\_، *الإفصاح في الإمامة،* قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق ب.

۶۲. \_\_\_\_\_، *شرح المنام،* قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق ج.

۶۳. مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الأصول،* قم، مدرسہ امام علی بن ابی طالب؟ع؟، ۱۴۲۸ق.

۶۴. \_\_\_\_\_، *تفسیر نمونہ،* تهران، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۱ش.

۶۵. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی،* قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.

۶۶. نسائی، احمد بن علی، *تفسیر النسائی،* بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۴۱۰ق.

#### ب) مقالہا

۶۷. انواری، جعفر، «غوری در آیہ غار»، *مجلہ معرفت،* ۱۳۹۰ش، ش ۱۶۴، ص ۱۹ \_ ۳۰.

۶۸. کرباسی، مهدی، «آیہ غار از دیدگاه فریقین»، *پژوهشنامہ حکمت و فلسفہ*

*اسلامی،* ۱۳۸۳ش، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۲۴۷ \_ ۲۷۰.